سرمقاله

راهکارهای مبارزه با دهشت افگنی

حفیظ الله زکی

گسترش دامنه فعالیت داعش و تلاش های این گروه برای ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان و تهدیدات بالفعل گروه های تروریستی دیگر که بسیاری از ولایت های کشور را به میدان جنگ تبدیل کرده است، نگرانی های جدی را برای شهروندان، نیروهای امنیتی و در کل حکومت افغانستان به وجود آورده است.

اگرچه همه ساله با آمدن فصل بهار نگرانی های امنیتی در افغانستان بیشتر می شود، اما امسال این نگرانی به یک هراس عمومی تبدیل شده است.

اگرچه در توان، شجاعت، ایثار و فداکاری نیروهای امنیتی جای تردیدی باقی نمانده است؛ اما جنگ خطرناک و تمام عیار در افغانستان که از پشتوانه های نظامی و استخباراتی خارجی برخوردار است، به چیزی بیشتر از شجاعت نیاز دارد.

مبارزه با هراس افگنی در افغانستان تنها یک مسأله داخلی نیست که حکومت با همکاری مردم این کشور بر آن غلبه نماید؛ ناامنی و جنگ در افغانستان منشأ خارجی دارد و سازمان های استخباراتی قوی پشت این جنگ قرار دارد و به گونه ای آن را مدیریت و رهبری می کنند.

تنها راه تأمین امنیت و خاتمه دادن به جنگ و خشونت دوامدار، اراده جدی جامعه جهانی و متقاعد ساختن کشورهای همسایه و منطقه به همکاری با حکومت افغانستان در راستای صلح و امنیت می باشد.بدون شک ایجاد این سلسله همکاری ها نیازمند کارهای اساسی و راهبردی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی می باشد که متأسفانه افغانستان در این زمینه نیز از کاستی ها و نارسایی های جدی رنج می برد.

سیاست خارجی هر کشور براساس منافع ملی و تعامل با دنیای خارج استوار می باشد، برگ برنده حکومت افغانستان در روابط خارجیبرخورداری این کشور از حمایت کشورهای بزرگ جهان و منطقه برای ایجاد ثبات و امنیت می باشد.

تأکید افغانستان روی سیاست واحد منطقه ای و نابودی پایگاه های هراس افگنان در منطقه و قطع منابع مالی و نظامی این گروه ها کمک می کند، تا اهمیت افغانستان در مبارزه با تروریسم برجسته تر نشان داده شود. افغانستان باید جهان را قانع بسازد که برای یک افغانستان با ثبات به اشتراک مساعی همه دولت ها نیاز می باشد. افغانستان باید آشکارا تأکید نماید که امنیت منطقه به امنیت افغانستان و امنیت جهان به امنیت منطقه وابسته است؛ بنابراین هرگونه تعلل و مسؤلیت گریزی از تأمین امنیت افغانستان می تواند تمام منطقه و جهان را با خطر روبرو سازد که در آن صورت جهان مجبور خواهند شد، هزینه های بسیار سنگین و کلانی را برای مهار تروریسم بپردازند.

تعدادی از کشورهای منطقه از ناامنی و تقویت تروریسم و افراط گرایی به شدت آسیب می بینند. این کشورها منافع خود را در محو تروریسم و افراط گرایی در سطح منطقه تعریف می کنند و افغانستان به عنوان کشوری که در خط مقدم این مبارزه قرار دارد، در سیاست خارجی این کشورها، شایسته کمک و حمایت دانسته می شود. افغانستان می تواند از پتانسیل های منطقه ای نیز به نفع خود استفاده نماید. تا زمانی که همگرایی منطقه ای در راستای مبارزه با تروریسم شکل نگیرد و این همگرایی از سوی جامعه بین المللی حمایت نشود؛ مؤفقیت تلاش های صلح طلبانه حکومت افغانستان مورد تردید قرار می گیرد.

حکومت باید به نگرانی های مردم در باره مسایل امنیتی و سیاسی آینده توجه نماید. مردم افغانستان نمی خواهند جغرافیای این کشور بار دگردر معرض دخالت های کشورهای بیگانه قرار گیرد و تجربه جنگ های نیابتی و استخباراتی با رنگ و رخ دیگر در این کشور تکرار شود. مردم نمی خواهند ارزش های چهارده سال گذشته قربانی مسایل صلح ظاهری با طالبان در کشور گردد. مردم نمی خواهند صلح با طالبان به جنگ دوامدار دیگر با گروه داعش و یا هر گروه افراطی دیگر در افغانستان منجر شود.

بنابراینتجهیز و آموزش نیروهای امنیتی و دسترسی این نیروها به سلاح های مدرن، پیشرفته و مورد نیاز در جنگ های امروزی، ادامه کمک های مالی جامعه جهانی و تدوین استراتژی واحد و جامع امنیتی می تواند در جلوگیری از نفوذ گروه های تروریستی در کشور مؤثر واقع شود.

گفتگو های صلح و خطوط سرخ حکومت و گروه طالبان

علی قادری

نمایندگان طالبان در نشست قطر بیانیه ای را میان شرکت کنندگان توزیع نموده است و در آن خواست های مهم خود را بیان نموده است. در بیانیه شان آمده است که آن ها خواهان به رسمیت شناخته شدن دفتر شان در قطر شده اند، خواهان خروج کامل نیرو های خارجی از افغانستان شده اند، قانون اساسی فعلی را تحمیلی می داند و بخش های از آن را مخالف اصول و آموزه های دین اسلام می داند. همچنین گفته شده اند که آن ها پیشنهاد حکومت افغانستان مبنی بر آتش بس را نپذیرفته است و گفته اند تا زمانی که نیرو های خارجی در افغانستان حضور داشته باشد، دست از جنگ بر نمی دارد. خواست های آن ها تنها به این مسائل خلاصه نمی شود بلکه یکسری مسائل دیگر را نیز در بیانه ای خود بیان نموده است که نگارنده قصد توضیح همه خواست های گروه طالبان را ندارد. در مقال کنونی سعی بر آن دارم تا خطوط سرخ حکومت در گفتگو های صلح و خواست های گروه طالبان را بررسی نمایم. دقیقا می خواهیم به این سوال پاسخ دهم که آیا خطوط سرخ از سوی حکومت تعریف شده است. آیا خواست های گروه طالبان با خطوط سرخ حکومت همخوانی دارد؟ در صورت که امکان سازواری ممکن نباشد، پروسه صلح به کجا می رسد.

اول؛ قانون اساسی یکی از مهمترین و جدی ترین دستاورد های بیش از یک دهه گذشته است. با معیار دموکراتیک بودن، قانون اساسی ما از بهترین قوانین در سطح منطقه می باشد. بنابراین، امکان هر گونه تغییر و دگرگونی در قانون اساسی در راستای ضد دموکراتیک کردن آن امری غیر قابل قبول و زیر پا گذاشتن و نادیده گرفتن تمام دستاورد های بیش از یک دهه است. سران حکومت بار ها گفته اند که از قانون اساسی حمایت می کند. ولی به صورت مشخص بیان نکرده است که قانون اساسی فعلی خطوط سرخ حکومت است و گذشتن از آن و زیر پا کردن آن هر نوع گفتگو و مذاکره را غیر ممکن می سازد. انتظار می رود که حکومت وحدت ملی به صورت رسمی خطوط سرخ خود را در مصالحه و گفتگو با گروه های تندرو و بنیادگرا مشخص سازد. به صورت رسمی بگوید که خواهان تغییر در قانون اساسی که ماهیت ضد دموکراتیک داشته باشد، نیست. اما حاضر است گروه طالبان و حزب اسلامی حکمتیار را در چارچوب همین قانون اساسی در ساختار قدرت سهیم سازد. معنی دیگر سخن من این است که حکومت برای دست یابی به صلح نیازمند امتیاز دهی به گروه های طالبان و حزب اسلامی حکمتیار است. اما این امتیاز باید در چارچوب قانون اساسی باشد. شرکت دهی گروه طالبان در ساختار قدرت و در چارچوب همین قانون می تواند از امتیاز های باشد که حکومت به گروه طالبان پیشنهاد کند.

دوم؛ نیرو های بین المللی حامی جدی امنیت، ثبات و حفظ نظام کنونی است. بدون نیرو های بین المللی امکان هر گونه حفظ قدرت ممکن و عملی نیست. اگر چه توانایی و ظرفیت نیرو های امنیتی کشور قابل رد و انکار نیست ولی نیرو های خارجی در شرایط کنونی نقش بازدارندگی را دارد. نفس حضور آن ها باعث شده است که گروه های تندرو به دنبال کسب قدرت و گرفتن ارگ نباشد.

در صورت که نیرو های خارجی از افغانستان بیرون شود بدون شک، آرمان و خواست گروه طالبان تغییر می کند. آن ها بعد از آن در پی کسب قدرت سیاسی و انحصار آن بر خواهد آمد. جدا از این مسئله، افغانستان بدون همکاری های جامعه جهانی و بدون حضور آن ها در عرصه های مختلف قادر به حرکت و بازی نقش های خود نیست. ما در زمینه های مختلف نیازمند آن هایم.

بنابراین، خواست طالبان مبنی بر خروج کامل نیرو های خارجی به باور نگارنده عقلانی نیست و نتیجه آن سقوط حکومت خواهد بود. بنابراین، حکومت افغانستان به صورت رسمی بیان دارد که حکومت افغانستان با این خواست گروه طالبان مخالف است و نمی خواهد گروه های بین المللی از افغانستان خارج شود. گروه طالبان اگر چه پایان جنگ را خروج کامل نیرو های بین المللی از افغانستان خوانده است ولی به نظر می رسد که گروه طالبان در این زمینه صادق نیست.

زیرا، خروج کامل نیرو های خارجی امکان هر گونه تحولات و ستیز ها را ممکن می گرداند. طالبان با این خواست در صدد آن است با درگیری منازعه و ستیز در افغانستان دوباره قدرت سیاسی را به دست گیرد.

این خواست گروه طالبان به صورت شفاف می رساند که آن ها دست از جنگ بر نمی دارد. زیرا، خروج کامل نیرو های بین المللی از افغانستان برای حکومت هزینه سنگین دارد. بعید به نظر می رسد که مقامات بلند پایه حکومت افغانستان این خواست گروه طالبان را بپذیرد. اگر نپذیرد امکان آتش بس و پایان جنگ نیز متصور نیست. بنابراین، امکان گفتگو را با پرسش جدی مواجه می سازد. در چنین شرایطی گفتگو چه معنی و مفهوم دارد.

سوم؛ اگر بر فرض اینکه خواست های گروه طالبان پذیرفته شود، آن ها قانون و نظام سیاسی پیشنهادی خود را ارائه ننموده است. مشروعیت نظام چگونه خواهد بود. آیا نظام سیاسی با رفتن مردم به پای صندوق های رأی مشروعیت خود را به دست خواهد آورد یا اینکه مشروعیت نظام سیاسی دوباره دینی و مذهبی خواهد شد. معنی این سخن این است که آیا گروه طالبان از پایه ها و اصول اساسی امارت اسلامی می گذرد و یا اینکه دوباره امارت اسلامی را به جای نظام کنونی پیشنهاد می کند.فهم و درک این مسائل اهمیت بسیار دارد. زیرا، مشخص می سازد که امکان گفتگو و مذاکره با گروه طالبان ممکن است یا خیر. در صورت که آن ها از اصول و پایه های نظام سیاسی مبتنی بر امارت اسلامی نگذرد، گفتگو و مذاکره هیچ سودی برای مردم افغانستان و حکومت ندارد. در آن صورت، هزینه ها در پروسه صلح بی جهت خواهد بود.

چهارم؛ گفتگو تنها در صورت معنی و مفهوم پیدا می کند که دو طرف در خواست های خود انعطاف نشان دهد. اما انعطاف پذیری به معنی از بین بردن خطوط قرمز دو طرف نیست. بلکه انعطاف پذیری در دادن امتیاز ها و فرصت مشارکت در ساختار قدرت و میزان سهم در قدرت است. اگر گفتگو از امتیاز ها و مشارکت در ساختار قدرت خارج شود و بر محور تغییر قانون اساسی و نظام کنونی باشد و طرف حکومت نیز آن را بپذیرد، به معنی حماقت بیش از یک دهه مردم و حاکمان و نخبگان را نشان می دهد. بیش از یک دهه مبارزه با گروه طالبان به معنی این بود که ما دنبال حفظ نظام کنونی هستیم. قانون اساسی را قبول داریم و آن ها ندارد. اگر قانون اساسی تغییر کند رفتار های بیش از یک دهه گذشته چه معنی و مفهوم خواهد داشت؟

در پایان باید گفت که خطوط سرخ حکومت و گروه طالبان باید مشخص و تعریف گردد. امکان هر گونه مذاکره و گفتگو بدون مشخص شدن مرز های نفوذ ناپذیر دو طرف وقت ضایع کردن است. مذاکره و مصالحه با گروه طالبان باید بر محور امتیاز دهی بچرخد بر سر تغییر نظام سیاسی و قانون اساسی.

آیا بزرگ ترین افتخار نظام جدید با تهدید مواجه شده است؟

عبدالرحمن فهیمی

نظام و فضای جدید سیاسی شکل گرفته، علی رغم ارزش های راکه در همهٔ عرصه ها مهم است، بازتاب داده است، به آزادی های فردی و اجتماعی نیز اهمیت به سزایی قایل شده است.

هر شهروند کشور، می تواند افکار و عقاید اش را به گونه ای آزادانه از طریق وسایل ارتباطی با دیگران شریک سازد.پس، از این رهگذر، وسایل ارتباطی همگانی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و هفته نامه ها، شبکه های انترنتی و کتاب، حق فعالیت آزانه و نشر و پخش را دارند.

یک بحث در همهٔ کشورها حتی در اندیشه لیبرالیستی مطرح است و آن این که آزادی های فردی نباید نقض کنندهٔ آزادی های دیگران باشد. به عبارت دیگر، آزادی حدی ندارد به جز آزادی دیگران. البته در برخی جوامع، منافع ملی نیز به عنوان حدّ آزادی ها مطرح می شود.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۲ رسانه های همگانی خصوصی نیز به سرعت تاسیس شده و به فعالیت آغاز کردند.

تلویزیون ها، رادیوها، روزنامه ها و هفته نامه ها و انجمن های مطالعاتی، یکی پی دیگر به فعالیت های آزادانهٔ شان شروع کردند.

پژوهش گران و نویسندگان بدون این که از حکومت مجوز بگیرند، در مورد مسایل مختلف تاریخی، البته با نگاه به آینده و نقد وضعیت موجود سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نوشتند، نشر کردند و به دسترس دانش جویان و علاقمندان قرار دادند.

با توجه به این بحث، بزرگ ترین افتخار دولت گذشتهٔ به رهبری حامدکرزی این بوده است که با توجه به رویکرد قانون اساسی، از آزادی های عمومی به خصوص آزادی بیان حمایت همه جانبه کرده و تلاش شده که هیچ گونه محدودیت وضع نشود.

رسانه های همگانی و روزنامه های مطرح که به بستر نقد حکومت و نخبگان قدرت بدل شده اند، تحت فشار نبوده اند و بدون این که ترس داشته باشند، فعالیت کرده اند.

نویسندگان و روزنامه نگاران و به صورت عموم اصحاب رسانه های کشورهای هم سایه که در فضای محدود و فشارهای سیاسی نعمت آزادی را درک کرده اند، نسبت به آزادی و فعالیت های آزادانهٔ رسانه ها و نویسندگان در افغانستان حسرت می خوردند و مدام بر این نکته تاکید می کردند که اگر در افغانستان امنیت کامل نیست، فساد است، عدالت نیست، سطح زندگی مردم نازل است و سر انجام وضعیت به مراتب نامطلوب و غیر قابل پذیرش است، اما، یک فرصت بس مهم در اختیار است؛ آزادی بیان و فرصت نقد همه جانبهٔ حکومت و نخبگان قدرت.

اکنون در دوران حکومت وحدت ملی، وزیر اطلاعات و فرهنگ، در آغازین روزهای کاری اش، چهار روزنامه را به عنوان روزنامه های خاطی شناسایی کرده و به گفتهٔ خودش تجاوز کرده اند. شاید منظور وزیر فرهنگ، تجاوز به شخصیت افراد باشد.

به هر صورت، کمسیون تخطی رسانه ها که تحت ریاست جناب وزیر، فعالیت می کند، مدیران روزنامه های هشت صبح، جامعهٔ باز، ماندگار و اطلاعات روز را فراخوانده است.برخی از فعالین رسانه ای و همچنین مدیران روزنامه های نام برده شده، بر اساس قانون نافذ رسانه های همگانی، فعالیت کمسیون تخطی رسانه ها را غیر قانونی خوانده و از حضور در آن جا خود داری کرده اند.

تنها بحث روزنامه و هفته نامه نیست. بحث کتب پژوهشی و انتشارات نیز است. قرار بود که نمایشگاه کتاب در تهران برگزار شود، اما ده ها کتاب از جمله کتاب «خرد آواره» به قلم علی امیری استاد دانشگاه/پوهنتون خصوصی ابن سینا فرصت عرضه نیافته و ممنوع الخروج اعلام شده است.

علی امیری در واکنش به این اقدام مطلب نوشته بود که از بابت آن مطلب نیز همراه مدیران روزنامه فراخوانده شده بود.

نمی خواهیم جانب داری کنیم. بایستی با دید بی طرفانه نگریست. آیا به راستی نوشته های چهار روزنامه، تجاوز محسوب شده که وزارت اطلاعات و فرهنگ اقدام به هشدار و احضار گرفته است؟ و آیا علت ممنوع الخروج کردن کتاب ها به خصوص کتاب خرد آواره چیست؟

این سوال های هستند که من نمی خواهم، پاسخ دهم. باید وزارت اطلاعات و فرهنگ به صورت مشرح و مفصل از طریق رسانه های همگانی به اصحاب رسانه و نویسندگان به صورت خاص و به افکار عمومی به صورت عام، توضیح دهد. نکتهٔ دیگری که همه را نگران کرده، اقدام وزارت اطلاعات و فرهنگ در زمان مشخص است. نامه های احضاریه به روزنامه ها در روز گرامی داشت از آزادی بیان و مطبوعات ارسال شده و جناب وزیر هم اندکِ این بحث را در همان روز بیان کرده است.

با توجه به این وضعیت، این نگارش طرح دو نکته را مناسب می بیند:

نکته نخست: وزارت اطلاعات و فرهنگ، برخورد سلیقه ای را روی دست نگیرد. نباید به علت این که مقام های وزارت از محتوای فلان کتاب خوش شان نمی آید، آن را ممنوع الخروج اعلام کرده و دست به سانسور بزنند. نباید به علت این که مقام های وزارت از فلان مقالهٔ ژورنالیستکی و طنز خوش شان نمی آید، فعالیت های برخی روزنامه ها و هفته نامه ها را به چالش کشند. بلکه هر اقدام که صورت می گیرد، باید مستدل بوده و علت امر به صورت مشرح و مفصل با رسانه ها و افکار عمومی شریک ساخته شده و قناعت حاصل گردد.

به هیچ وجه نباید بوی رفتارهای سلیقه ای و استبداد گونه، به مشام رسد. قانون اساسی آزادی بیان را به رسمیت شناخته و حکومت گذشته نیز با کمال افتخار از آن پاسداری کرده است.

گرچند چالش های چندی در برابر خبرنگاران و رسانه ها سبز می کرد، اما رهبری دولت، مصمم به حمایت از آزادی بیان و رسانه های عمومی بود. حامدکرزی بارها به رسانه ها می گفت که «هزار عیب دارم و یک عیب دیگر را هم برجسته کنید که شود هزار ویک عیب».

بنابراین، هر اقدام که صورت می گیرد باید جنبهٔ منطقی داشته و برخورد سلیقه ای و فردی به هیچ وجه مطرح نباشد.

نکتهٔ دوم: نهادهای مهم حاکمیت؛ ریاست جمهوری، ریاست اجرایی، شورای وزیران یا به تعبیر قانون اساسی «حکومت» پارلمان و نهادهای قضایی، مسوولیت دارند که از تمام ارزش های مندرج قانون اساسی از جمله آزادی بیان و مطبوعات حراست نمایند.

از این رو، از اقدام داکتر عبدالله رییس اجرایی در نشست شورای وزیران مبنی بر وضاحت خواستن از وزیر اطلاعات و فرهنگ را می توان به عنوان یک گام مثبت یاد کرده و باید تاکید کرد که سایر نهادهای حاکمیت نیز همین کار را کنند.

این مسئله باید از طرف همه جدی تلقی شود. چه از طرف نهادهای حاکمیت و چه از طرف افکار عمومی و اصحاب رسانه. اگر اقدام وزارت اطلاعات و فرهنگ مناسب و درست ثابت شود که خوب و گرنه به سنت ناپسند تبدیل شده و زنگ خطر برای آزادی بیان خواهد بود.

به هر حال، می شود این گونه نتیجه گیری کرد که اگر اکنون آزادی بیان به عنوان بزرگ ترین افتخار نظام جدید با تهدید مواجه نشده است، در صورت بی تفاوتی و جدی تلقی نکردن اتفاقات و روی دادهای امروزین، ممکن است در آینده تهدیدهای کلان سر راهش به عنوان علف های هرزه سبز کند که آن گاه برچیدن آن ها دشوار خواهد بود.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
کاریکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔافغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com